

کوتاه از دیپلماسی

واکنش ایران به حکم دادگاه بلژیک در خصوص اسدی

● **ایسنا:** سخنگوی وزارت امور خارجه ایران در واکنش به صدور حکم دادگاه آنتورپ بلژیک درخصوص اسدالله اسدی، دیپلمات کشورمان اظهار کرد: جمهوری اسلامی ایران اعلام دادگاه آنتورپ بلژیک، مبنی بر صدور حکم ۲۰ سال زندان برای آقای اسدالله اسدی، دیپلمات کشورمان را قویا محکوم می‌کند.

سعید خטיب‌زاده روز پنجشنبه گفت: «همچنان‌که قبل از این هم بارها اعلام کرده‌ایم، تمامی مراحل بازداشت آقای اسدی، فرایند قضائی و صدور حکم اخیر، غیرقانونی و نقض آشکار موازین حقوق بین‌الملل، به‌ویژه کنوانسیون ۱۹۶۱ وین درخصوص روابط دیپلماتیک بوده و جمهوری اسلامی ایران آن را به‌هیچ‌عنوان به رسمیت نمی‌شناسد.»

او در ادامه تصریح کرد: «متأسفانه بلژیک و برخی کشورهای اروپایی، تحت تأثیر فضاسازی معاندانه گروهک تروریستی منافقین در خاک اروپا، به چنین اقدام غیرقانونی و غیرقابل‌توجهی دست زده‌اند.

بنابراین باید نسبت به نقض فاحش حقوق دیپلمات کشورمان، از جمله شرایط غیرانسانی که آقای اسدی در دوران بازداشت در آلمان و بلژیک با آن مواجه بوده، پاسخ‌گو باشند.»

سخنگوی دستگاه سیاست خارجی در خاتمه تأکید کرد: «جمهوری اسلامی ایران حق خود را برای توسل به همه راه‌های حقوقی و دیپلماتیک ممکن جهت احقاق حقوق آقای اسدالله اسدی و پاسخ‌گوکردن دولت‌هایی که تعهدات بین‌المللی خود را نقض کرده‌اند محفوظ می‌داند.»

انفجار گاز در اقامتگاه سرکنسول ایران در کویت

● **ایسنا:** بر اساس اعلام روابطعمومی سرکنسولگری جمهوری اسلامی ایران در کویت، انفجار گاز نشتی از بخاری موجب تخریب بخشی از اقامتگاه سرکنسول کشورمان در کویت، پاکستان شد. بر اساس این اطلاعیه خوشبختانه در این حادثه آسیب جانی وارد نشده است.

وزیر امور خارجه در تویتز نوشت: «دیوان بین‌المللی دادگستری اکنون تمام موارد استدلالی مخالفت مقدماتی ایالات متحده در پرونده مطروحه‌از جانب ایران درخصوص تحریم‌های غیرقانونی ایالات متحده را رد کرد. این یک پیروزی حقوقی دیگر برای ایران پس از حکم سوم اکتبر ۲۰۱۸ است.» به گزارش ایرنا از اداره کل اطلاع‌رسانی و امور سخنگویی وزارت امور خارجه، محمدجواد ظریف اضافه کرد: «ایران همواره و به‌صورت کامل

دیپلماسی

ظریف: ایالات متحده به تعهدات بین‌المللی خود پایبند باشد

بین‌المللی لاهه قبلا در این پرونده، طی قرار موقتی به اتفاق آرا، دولت آمریکا را ملزم کرده بود که طبق تعهدات بین‌المللی خود وفق عهدنامه ۱۳۳۴، هر نوع مانع ناشی از اقدامات اعلام‌شده در ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۷ را در ارتباط با صادرات آزاد دارو و تجهیزات پزشکی، اقدام غذایی و کشاورزی و قطعات و تجهیزات هواییما و خدمات تأمین و نگهداری لازم برای ایمنی هوایمایی به جمهوری اسلامی ایران برطرف کند.

حقوقی و مقررات قیدشده در توافق جامع هسته‌ای، این توافق قابل تجدیدنظر و بازبینی است. (ب) از حیث سیاسی و دیپلماتیک: وقایع دیپلماتیک و سیاسی غالباً طرفات و پیچیدگی‌های خاص خود را دارند؛ به‌ویژه که اموری هستند سیال و غالباً مبتنی بر تضارب آرا و تعارض منافع که مواقع بسیاری تثبیت یا تحصیل آنها ناگزیر از مجادله‌های سخت دیپلماتیک هم هست. بنابراین اگرچه وفق مقررات حقوقی امکان تجدیدنظر و بازبینی در برجام قطعی و عینی است، ولی این امکان از منظر روابط دیپلماتیک و سیاسی به آن روشنی نیست. حقیقت این است که هر قرارداد و توافقی در زمان و مودع انعقاد تا حد امکان کامل است و این گذشت زمان که مخالفان جز استدلال‌هایی کلی و غالباً مبتنی

بر ایدئولوژی‌های سخت، هرگز مصادیق آشکار و مجسمی را برای خسارت‌باربودنش مطرح نکردند.

بسیاری به نفع و ضرر این توافق، بروز و ظهور کرد. مخالفان و موافقان هرکدام بر وجهی استناد و تلاش کردند تا موضع و جایگاه خود را استوار کنند. برخی آن را نمونه عینی خسارت و ضدیت با منافع ملی و در مقابل موافقان آن را مفید برای مصالح ملی دانستند. حقیقت آشکار اما این است که مخالفان جز استدلال‌هایی کلی و غالباً مبتنی بر ایدئولوژی‌های سخت، هرگز مصادیق آشکار و مجسمی را برای خسارت‌باربودنش مطرح نکردند. باین‌حال، نمونه‌های مؤثر و قابل‌لمس برجام در عرصه ملی و بین‌المللی قابل رؤیت و غیرقابل‌انکار است. این بحث‌ها همواره زمینه‌های گوناگونی برای طرح در میان جامعه و گروه‌های مختلف داشته؛ همان‌گونه‌که در عرصه بین‌المللی هم غیر این نبوده است.

انتخاب جو بایدن به عنوان رئیس‌جمهور ایالات متحده آمریکا و وعده ایشان و گروه همراهش برای بازگشت به برجام توأم با نقد تند و تیز سیاست دونالد ترامپ برای خروج از توافق هسته‌ای بیش از پیش تئور این بحث‌ها را داغ کرد. محور این جدال با به‌دست‌گرفتن قدرت توسط رئیس‌جمهور جدید ایالات متحده آمریکا بر این موضوع متمرکز شده که آیا امکان بازبینی و تجدیدنظر در برجام وجود دارد. میان این‌هیاهو نیز برخی از سران کشورها ادعاهایی را بیان کرده و تلاش دارند به لطایف‌الحیلی منافی را جلب کنند. این دسته از حاکمان قبل از

اینکه خیر مشترک جهانی را ملاحظه کنند، سعی دارند با مشوه‌کردن اوضاع متاع خود را گران‌تر به دیگران بفروشند، حقیقتی که ایجاب می‌کند ایران برنامه مدون و فعلی را در اختیار داشته باشد که بر اساس آن هم منفعت ملی را برآورده کند و هم مانع سوءاستفاده دیگران شود. یقیناً مهم‌ترین وجه چنین سیاستی دوری از تعصب و اجتناب از تصلب در مواضع است و البته نه به معنای تسلیم محض بلکه تعدیل در مطالبات و اصلاح در چارچوب ساختار موجود به‌جای انفعال و احتراز از مواجهه با تمام اطراف توافق که می‌تواند باقوه زبان‌آور و خسارت‌بار باشد.

اصلاح و جرح و تعدیل در قراردادهای

الف) از حیث حقوقی: توافق جامع هسته‌ای معاهده نیست ولی می‌توان از اصول کلی این معاهده برای موارد مشابه استفاده کرد و با وحدت ملاک، قواعد لازم برای موارد مشابه را به دست آورد. در برجام بند «ع» از بخش «مقدمه و مفاد عمومی»، بازبینی و اصلاح این توافق را این‌گونه پیش‌بینی کرده است: «گروه ۵+۱ و ایران هر دو سال یک بار، یا در صورت نیاز زودتر، به‌منظور بازنگری و ارزیابی پیشرفت صورت‌گرفته و اتخاذ تصمیمات مقتضی با اجماع، در سطح وزیر دیدار خواهند کرد.» بنابراین، طبق مقررات مندرج در برجام و نیز اصول کلی برگرفته از کنوانسیون حقوق معاهدات می‌توان به این نتیجه قطعی دست یافت که وفق قواعد

پیشنهادهای برجامی اروپایی‌ها

شرق؛ سه کشور اروپایی امضاکننده برجام نیز وارد کود پیشنهاد و ایده برای احیای برجام شدند. به گزارش خبرگزاری رویترز، فرانسه، آلمان و بریتانیا پیشنهادهایی مطرح کرده‌اند که بر اساس آن ایران در ازای پایبندی به توافق هسته‌ای، از منافع اقتصادی بهره‌مند شود. از سوی دیگر، امانوئل مکرون، رئیس‌جمهور فرانسه نیز در اظهارنظر تازه‌ای درباره برجام پیشنهاد داده است «میانجیگری صادق و متعده» در مذاکرات ایران و آمریکا برای احیای توافق هسته‌ای باشد. در همین رابطه، سرکنی لاوروف، وزیر امور خارجه روسیه نیز در کنفرانس خبری با مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا بر آمادگی مسکو برای همکاری با اروپا بر سر احیای توافق هسته‌ای تأکید کرد.

نکته شایان توجه اینجاست که آنچه به‌عنوان پیشنهاد ترویتکا مطرح شده، البته همان چیزی است که طبق توافق هسته‌ای از وظایف طرف‌های اروپایی برجام بود؛ اما پس از خروج ایالات متحده از این توافق، طرف‌های اروپایی توافق در عمل به آن ناکام ماندند. به گزارش ایسنا، به نقل از خبرگزاری رویترز، یک دیپلمات ارشد اروپایی دراین‌باره گفت: «ما از یک صفحه خالی کار را شروع نمی‌کنیم. معیارهای سلسله‌مراتب بازگشت به توافق و سپس ایجاد توافقی عمیق‌تر را می‌دانیم.» رویترز پیش‌تر هم گزارش داده بود چهار منبع مطلع به این خبرگزاری اطلاع داده‌اند که وزیر خارجه آمریکا به‌زودی با هم‌تایان خود در آلمان، بریتانیا و فرانسه درباره چگونگی احیای توافق هسته‌ای با ایران به گفت‌وگو خواهد پرداخت. این منابع که نخواهند نامشان فاش شود، زمان مشخصی برای این گفت‌وگو تعیین نکرده‌اند؛ اما دو منبع مدعی شده بودند که این گفت‌وگو روز جمعه رخ خواهد داد

و منابع دیگر ادعا کردند که این گفت‌وگو در هفته آینده انجام خواهد شد. وزارت خارجه آمریکا از اظهارنظر درباره دیدار مجازی این چهار وزیر خارجه خودداری کرده است. وزارت خارجه فرانسه و آلمان و سفارت بریتانیا در واشنگتن نیز به درخواست فوری برای اظهارنظر پاسخ ندادند. باین‌حال به نظر می‌رسد درصورتی‌که این پیشنهاد جدی باشد، در نتیجه گفت‌وگوهای اولیه‌ای مطرح شده که بین مقامات این کشورها با مقامات آمریکا رخ داده است و هماهنگی‌هایی



بانک مسکن



عکس: مصطفی قلیبی، ایران

را موافقت طرف‌های آن می‌داند مگر آنکه ترتیب دیگری در معاهده مشخص شده باشد. در معاهدات چندجانبه برای اصلاح و بازبینی، نخست: هر نوع پیشنهاد اصلاح باید به تمام اطراف معاهده ابلاغ شود و هرکدام این حق را دارند در این امور شرکت کنند. الف) اتخاذ تصمیم در ارتباط با اقدامی که باید برای پیشنهاد انجام شود. (ب) مذاکره و توافق برای اصلاح معاهده. دوم: هر کشوری که امکان الحاق به معاهده را دارد، حق الحاق به اصلاحیه را هم خواهد داشت. سوم: کشوری که عضو معاهده بوده ولی در اصلاحیه مشارکت نداشته و به آن ملحق نشده، در قبال اصلاحیه متعهد نخواهد شد.

قابلیت اصلاح و بازبینی برجام

الف) از حیث حقوقی: توافق جامع هسته‌ای معاهده نیست ولی می‌توان از اصول کلی این معاهده برای موارد مشابه استفاده کرد و با وحدت ملاک، قواعد لازم برای موارد مشابه را به دست آورد. در برجام بند «ع» از بخش «مقدمه و مفاد عمومی»، بازبینی و اصلاح این توافق را این‌گونه پیش‌بینی کرده است: «گروه ۵+۱ و ایران هر دو سال یک بار، یا در صورت نیاز زودتر، به‌منظور بازنگری و ارزیابی پیشرفت صورت‌گرفته و اتخاذ تصمیمات مقتضی با اجماع، در سطح وزیر دیدار خواهند کرد.» بنابراین، طبق مقررات مندرج در برجام و نیز اصول کلی برگرفته از کنوانسیون حقوق معاهدات می‌توان به این نتیجه قطعی دست یافت که وفق قواعد

ادامه از صفحه اول

انقلاب اسلامی و ظلم جهانی

نظام توزیع قدرت پس از جنگ جهانی دوم و حاکمیت ساخت‌دوقطبی بر جهان که موجب تشدید وابستگی ساختاری کشورهای ضعیف به قدرتمندان شده بود و عملاً جهان را به دو گروه استعمارگران و استعمارشدگان بدل کرده بود، یکبار به حرکتی مواجه شد که اعتمادبه‌نفس را به ملت‌های در بند بازگرداند.

در چنین فضایی بود که انقلاب اسلامی با شعار و راهبرد نه شرقی نه غربی و درپیش‌گرفتن استراتژی موازنه منفی توانست در عرصه جهانی و در جامعه‌شناسی انقلاب‌ها، تحلیل‌گران و ناظران را در شوکی بزرگ فروبرد و حتی علم مطالعه و فلسفه انقلاب‌ها را تکامل ببخشد. از منظر گفتمانی انقلاب ایران، آنچه در صحنه بین‌المللی و نهادهای آن شکل گرفته بود، روابط و مناسبتی مبتنی بر روابط سیاسی نابرابر، سلطه‌گری، نفوذ شورانه و ظلمی غیرانسانی بود که ناقض حقوق دولت‌ها و ملت‌هایی بود که در پی استقلال و زندگی شرافتمندانه‌ای بودند که توسط استعمار بین‌المللی سلب شده بود. بلوک غرب با وقوع انقلاب اسلامی و استقلال ایران، عملاً ایران را از دست داد و با فروپاشی پیمان‌هایی مانند ستوتو‌سیتوکه آشکاراتوافق‌هایی برای غارت ملت‌ها بودند و رشد حرکت‌های آزادی‌خواهانه، اسلام‌گرایانه، استقلال‌طلبانه و ضد غربی از افغانستان تا لبنان و فلسطین عملاً در انفعالی قرار گرفت که پس از چهار دهه از وقوع انقلاب همچنان در شناخت انقلاب دچار پریشانی فکر و نظر است و تنها راه مهار شکوفایی و تکامل انقلاب را در تحریم ظالمانه و غیرانسانی می‌داند که البته مانند همه دسیسه‌ها و طراحی‌های قبلی، با اتحاد، مقاومت و انسجام مردم ایران راهی جز شکست برای آن متصور نیست. این مقاومت مثالزندی و بی‌نظیر ریشه مفهم مخالفت ابرقدرت‌ها با استقلال ایرانی است که با منطق و تفکر خود، آنان را در میدان‌های مختلف شکست داده و قدرت بزرگی را به رهبری ایران در جهان شکل داده که منطقه‌گرایی و دموکراسی‌خواهی واقعی را در جهان شکل داده است، به‌صورتی‌که جبهه متشکل و قدرتمندی که از سکولاریسم ثروتمند تا بنیادگرایی نادان در برابر آن ایجاد شده، در بلندمدت چاره‌ای جز قبول و پذیرش شکست و هزیمت ندارد. اما اینک که در دهه فجر انقلاب قرار داریم، بازخوانی روندها، نظرها، دستاوردها و اهداف انقلاب ایران وظیفه اصلی و ملی ماست. وظیفه‌ای که در مسیر گام دوم انقلاب، در سخنان مقام معظم رهبری مانفیسست و چارچوب آن مدون و مشخص شده است و می‌تواند با آگاهی و هویشاری ملت ایران در این مقطع مهم و تاریخی که به لحاظ اهمیت، اصالت و اعتبار از عصر انقلاب ۵۷ چیزی کم ندارد، در برابر مخالفت‌ها و ظلم جهانی و تروریسم اقتصادی و سیاسی زورگویان، ایران را سربلندتر از همیشه و استوارتر از گذشته بر تارک و پیشانی منطقه و جهان بنشانند.

مناقشه بی‌اساس اصلاح‌طلبان و اصولگراها

سومین مسیر و مهم‌ترین آن این است که ساختار داخلی دولت‌ها چنان تعدیل شود که استحاله سیاست‌های جهانی به قالب‌های سیاست ملی ممکن باشد. این سه مرحله نشان می‌دهد اقدام دولت‌های اصولگرا و اصلاح‌طلب که صرف مذاکره برای مذاکره است، نمی‌تواند در اوضاع آنان و مهم‌تر از همه در بین‌المللی‌شدن دولت اثرات چشمگیری داشته باشد.

این رویکرد مغایر با استراتژی ایران است که برای این مسیر طراحی شده است. از این منظر می‌توان گفت همه تلاش‌های دولت‌ها فارغ از چپ یا راست برای بین‌المللی‌شدن دولت نافرجام مانده است. اگر بخواهیم صورت‌بندی ساده‌ای از وضعیت کنونی ارائه دهیم، این‌گونه است که دولت‌های ایران نتوانسته‌اند به یک رابطه جهانی دست یابند و با آرماتی دیدن این رابطه دور از دسترس، مردم را هم با وعده‌های غیرعملی از دست داده‌اند. اینک در گرانبگاه این وضعیت قرار داریم، دیگر مذاکره و وعده بهترشدن اوضاع با آغاز مذاکرات کارکرد سابق را ندارد. مردم از «آگاهی‌کاذب» فاصله گرفته و با آگاهی واقعی قادر به تحلیل شرایط کنونی و آینده خود هستند و می‌دانند مذاکره فقط تا حدودی می‌تواند شرایط آنان را بهبود بخشد. پس مذاکره صرف مذاکره برای هیچ‌یک از جناح‌های سیاسی ارزش افزوده‌ای در بر نخواهد داشت. این وضعیت هم‌زمان شده است با وضعیت عدم چیرگی، به باور گرامشی، «چیرگی یعنی توانایی یک طبقه برای جلب رضایت افراد تحت سلطه. توانایی آن برای اعمال رهبری فکری و معنوی، متقاعدکردن افراد تحت سلطه به اینکه منافع همسان با منافع طبقه مسلط دارند.» اما در وضعیت کنونی نه طبقه‌ای قادر به چیرگی است و نه دولتی. وضعیت قفل‌شدگی کنونی در سیاست داخلی و خارجی نیز از همین «عدم چیرگی» است. این شرایط بیش از هر زمان دیگر جای خالی جامعه مدنی را عیان می‌کند، جامعه مدنی و دولت، رابطه دیالکتیکی دارند؛ بر هم اثر می‌گذارند و مؤثرند. از نظر گرامشی، جامعه مدنی کانون احیای چالش‌گری مردمی است که امکان فراترفتن از دسته‌بندی‌های ظاهری را در اختیار آنان قرار می‌دهد.

درهم‌تنیدگی دولت و جامعه مدنی موجب می‌شود قدرت نه در دستگاه دولت بلکه در دولت تئیده باشد. بنابراین با تصاحب دستگاه دولت نمی‌توان به چیرگی دست پیدا کرد. در حال حاضر این وضعیت در جامعه ایران وجود ندارد و افرآق نیست اگر بگوییم با دولتی تنها و مردمی تنها روبه‌رو هستیم؛ چراکه جامعه مدنی ایران سالیانی است فرو پاشیده است.

«برای نوشتن این یاداشت از کتاب پنجاه متفکر بزرگ روابط بین‌الملل مارتین گریفیثس، استیون روج و اسکات سولومون، ترجمه علیرضا طیب، نشرنی استفاده شده است.